

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با محمدرضا شمس

تجربه‌ی پدیده‌نویسی و اصول نوشتن برای خردسالان



محمدرضا شمس از نویسندگان کودک و نوجوانی است که در خارج از کشور هم توانسته نام خود را مطرح کند و علاوه بر گرفتن دیپلم افتخار abby اثرش در فهرست کتابخانه مونخ هم ثبت شده است. این نویسنده که بیشتر با طنز و فانتزی‌نویسی مانوس است به‌تازگی با همکاری تعدادی دیگر از نویسندگان مطرح خردسال و کودک داستان‌های کوتاه بداهه برای کودکان نوشته است. این مجموعه ۱۵جلدی با عنوان اصلی «یک اسم و چند قصه» شامل قصه‌هایی کوتاه و تخیلی برای خردسالان است و در هر کتاب همه نویسندگان این مجموعه درباره یک موضوع قصه نوشته‌اند. پس از تجربه موفق نویسندگان از استقبال کودکان از این اثر، قرار بر این شد که مسابقه‌ای از سوی ناشر این کتاب‌ها با عنوان «یک اسم و چند قصه» به مناسبت هفته کتاب برگزار شود و در آن کودکان با نویسندگانی چون محمدرضا شمس، شکوه قاسمی، لاله جعفری، ناصر کشاورز و سوسن طاق‌دیس به صورت مشترک کتاب بنویسند. شرکت‌کنندگان در این مسابقه طبق الگو و موضوعات مجموعه کتاب‌های «یک اسم و چند قصه»، با قصه‌هایی کوتاه و در فضای فانتزی- تخیلی می‌توانند در این مسابقه حضور به هم رسانند. آثاری که توسط نویسندگان برجسته برگزیده شوند، علاوه بر گرفتن جایزه، در مجموعه یا مجموعه‌های جداگانه‌ای به چاپ خواهد رسید.

■ **از کی تصمیم گرفتید داستان‌های بداهه برای کودکان بنویسید؟**

این قصه‌ها در ابتدا برای کار در رشد کودک که توسط خانم قاسمی‌ناپ چاپ می‌شد، نوشته شدند. بعد تصمیم گرفتیم کاری کنیم که نشان دهیم در ایران هم می‌شود کار گروهی کرد. ضمن اینکه می‌خواستیم با نوشتن داستان‌هایی برای خردسالان، به صورت تجربی به معیارهایی برسیم که برای کار خردسال باید در نظر گرفته شوند. معیارهایی مثل تعداد صفحات و کلمات و نوع انتخاب کلمات برای این گروه سنی که تاکنون ارایه نشده است. در ضمن می‌خواستیم تعریفی برای کار خردسال پیدا کنیم. گفتیم مثل کودکان خودمان را‌ها کنیم و شروع به نوشتن کنیم. بدون طرح و پیرنگ و فی‌البداهه بنویسیم.

■ **چرا داستان بداهه؟ مگر چه فایده‌ای برای بچه‌ها دارند؟**

این از تجربیاتی است که هم برای نویسندگان و دست‌اندرکاران قصه کودک و خردسال مفید است و هم اینکه کودک به راحتی می‌تواند در کار ما شرکت کند. این در تجربه به ما ثابت شده است. این داستان‌ها کمک می‌کند ذهن بچه‌ها خلاق شود. ما با آزاد گذاشتن تخیل‌مان به زبان کودک نزدیک می‌شویم. همچنین کوتاه و خلاصه نوشتیم که بچه‌ها به دلیل کوتاهی کار به خواندن رغبت نداشته باشند. سعی کردیم در نصف صفحه تمام عناصر لازم یک قصه خوب را به کار ببریم. در ضمن تا جایی که توانستیم آهنگین کار کردیم.

■ **چه تفاوتی با داستان‌نویسی معمولی دارند؟**

برای نوشتن این داستان‌ها در آن لحظه به اینکه یک طرح و نقشه داشته باشید فکر نمی‌کنید. بیشتر خلاقیت آن لحظه‌ای تاثیرگذار است و خودتان را موقع نوشتن رها می‌کنید. مثل کسی که در خیابان راه می‌رود و یک‌دفعه از یک جای خوب سردر می‌آورد. البته ممکن است همیشه هم این‌طور نشود. موقع نوشتن این داستان‌ها می‌گفتیم ما کودکانی هستیم که راجع به چیزی تخیل می‌کنیم پس هرچه به ذهن‌مان می‌رسد بنویسیم. اما این کار هم به هیچ‌وجه خالی از خطا نبود اما باعث می‌شد قصه ساخته نشود و مسیری که باید را طی کنند.

■ **برای هر مدل از این مجموعه یک موضوع انتخاب کرده‌اید و داستان‌ها را برای آن موضوع نوشته‌اید. این موضوعات چطور انتخاب شدند؟**

سعی کردیم با اشیا شروع کنیم و از چیزهایی بنویسیم که به زندگی بچه‌ها نزدیک‌تر و ملموس‌ترند. خواستیم بگوییم کم می‌شود کار به اینها و هرچه دوروبر ماست قصه نوشت. کسی که می‌خواهد نویسندگی را ادامه دهد، می‌تواند از تمام این موضوعات و همین چیزهای پیش پا افتاده استفاده کند. ضمن اینکه در کارمان تنوع داریم و از اشیا شروع کردیم و برای اینکه بچه‌های روستایی را هم در این قصه‌ها سهمیم کنیم از دنیای اطراف آنها هم الهام گرفتیم و حیوانات را هم وارد کار کردیم. اینها موضوعاتی هستند که هر کدام را حذف کنیم زندگی چیزی کم دارد.

■ **نویسندگان این مجموعه کتاب چطور انتخاب شدند و چطور برای نوشتن داستان‌های بداهه دور هم جمع شدند؟**

جمع شدن این آدم‌ها با خانم قاسمی‌ناپ بود. در ابتدا هسته کوچکی تشکیل دادیم که همه خردسال نویس بودیم. بعد نظر دادیم که افراد دیگری هم وارد شوند. غیراز این، افرادی که وارد گروه شدند آدم‌های انعطاف‌پذیری بودند. افراد کمی هم که فقط شکل خاصی می‌نوشتند به مرور زمان از جمع جدا شدند.

■ **فکر می‌کنید این کار قابلیت تکرار شدن دارد؟**

مجموعه‌های دیگری در مورد خانه و بازی‌ها و ترانه‌های بچه‌ها هم به همین شیوه کار کردیم. در خلال این کارها هم نتیجه گرفته‌ایم که در ایران هم می‌شود کار گروهی کرد، هرچند کار سختی است.

گم‌گشتگی یک نسل در هزار توی هویت



پرویز کلانتری
نقاش

چندی پیش تابلویی از من در حراج کریستیز فروش رفت که ترکیبی از هنر کاغذلی و هنر مفهومی بود. پرداختم به هنر مفهومی- آن هم در ۸۰سالگی- بـــرای عده‌ای غیرمنتظره بود، همچنان که برخی خبرنگاران در این زمینه سوالی را مطرح کردند. باید بگویم این یک تجربه بسیار مهم بود که ناگهان وارد هنر مفهومی شدم. چون قبلا نقاشی من آبستره بود یا گرایش‌هایی به هنر مینی‌مال داشتم، گاهی هم خیلی رئالیستی نقاشی کرده بودم. ولی این بار یک رویکرد به هنر مفهومی است. شانسمن این است که نقاشی‌های به اصطلاح کاغذلی بدون امضایم هم معلوم می‌کنند که کار من هستند و این بار هم روی بوهای کاغذلی خودم کار کردم. حالا چرا خاک؟ همان طور که اشعار سپهری را از جنس آب می‌دانند، نقاشی‌های من هم از جنس خاک هستند، که یکی از چهار عنصر مقدس در حکمت ایرانی است؛ باد، آتش و خاک. نقاشی مورد وصف، تصویر دختری است با حجاب اسلامی که مثل اغلب دانش‌آموزان

هس‌من و سالش با کوله‌پشتی دیده می‌شود. ما و از پشت سر می‌بینیم که در موبایلش موقعیت خود را اعلام می‌کند: «لو من اینجا توی قلعه هستم.» زمینه کار یکی از برج‌های قلعه باستانی ارگ‌بم است که فقط قسمت کوچکی از آسمان از لایه‌لای کنگره پیداست. در این نقاشی ویرانه‌های این قلعه باستانی در یکی از برج‌ها دیده می‌شود و لکه‌های پرنور آفتاب در آن بسیار دقیق توصیف شده‌اند. به طور کلی یک چشم‌انداز ایرانی از دو عنصر خاک و آفتاب تند ایران تشکیل می‌شود که در آثار من به آن توجه می‌شود. شاید دخترک از دانش‌آموزان بازدیدکننده این قلعه باستانی است که گم شده و به وسیله موبایل موقعیتش را به دیگران اعلام می‌کند لذا اثر مفهومی به گم‌گشتگی نسلی اشاره دارد که در تودرتوهای هزارلای هویت سرزمین باستانی گرفتار هستند. من نسبت به این نسلی که دارد می‌آید خیلی کنجکاو هستم، صدای پایشان را می‌شنوم که دارد می‌آیند و آینده را به سلیقه خودشان رقم می‌زنند. مثلاًنوه من که الان ۲۴ سالش است و در آمریکا زندگی می‌کند برای من خیلی مهم و جالب است که بدانم چطور فکر می‌کند، چه سلیقه‌هایی دارد. این روزها همچنان در حال کار روی این مجموعه‌هستم.

محسن شریفیان
سرپرست گروه لیان



مجید ناظم‌پور ۲۴ سال است عود می‌نوازد و درباره این ساز سخنرانی می‌کند و کتاب می‌نویسد. ناظم‌پور، ۱۹ و ۲۰ آبان به دعوت انجمن موسیقی بوشهر به این شهر آمد تا بخواند و عود بنوازد و مرغ سحر را تقدیم کند. این نوازنده عود، کار خود را با قطعه «پرواز گنجشک» ساخته‌استاد منیر بشیر آغاز کرده، به گفته ناظم‌پور «منیر بشیر در عالم عودنوازی شخصیتی جهانی است. وی انقلابی را در عودنوازی ایجاد کرده که می‌توان این هنر را به دو دوره قبل از منیر بشیر و بعد از منیر بشیر تقسیم کرد. این استاد بزرگ، عراقی‌الاصل بوده و متأسفانه ۱۵ سال پیش درگذشته است؛ کسی که در زمان حیات خود لقب سفیر عود، فیلسوف عود و امیر عود را گرفت.» ناظم‌پور قطعه پرواز گنجشک را به روان آن استاد بزرگ تقدیم کرد. ناظم‌پور توانست سخت‌ترین قطعه‌ای را که برای عود ساخته شده با سرعتی بالاتر از سرعت اصلی آن اجرا کند. قطعه «ممن خراسان» در مایه دشتی ساخته شده بود. استان خراسان در بین استان‌های ایران از اهمیت

گزارشی از اجرای «مرغ سحر» مجید ناظم‌پور

ویژه‌ای برخوردار است زیرا همیشه زادگاه فلاسفه، شعرا و بزرگان ادب و فرهنگ این مملکت بوده. هنوز هم وقتی به موسیقی محلی خراسانی گوش می‌کنیم، بوی خوش حکمت و فلسفه از این موسیقی نجیب به مشام می‌رسد. مجید ناظم‌پور براساس این تفکر، قطعه تمدن خراسان را ساخت و به روان حکما، فلاسفه و بزرگان تقدیم کرد. تصنیف جاودانه «مرغ سحر» با آهنگ جدیدی اجرا شد و پایان‌بخش برنامه بود. به گفته مجید ناظم‌پور «شاید رمز جاودانگی این تصنیف به دلیل این باشد که در زمان دیکتاتوری رضاخان جلو‌پخش صفحات گرامافون که این تصنیف روی آن پخش شده بود گرفته شد. انسان از هر چیزی که منع شود بیشتر به طرف آن گرایش پیدا می‌کند. دیکتاتوری رضاخان تمام شد ولی مرغ سحر با شعر زیبای ملک‌الشعراى بهار برای همیشه جاودانه بوده و خواهد بود.» وی ایــن آهنگ جاودانه را به همه شهدایی که در کشورهای اسلامی برای سرکوب کردن دیکتاتورها جان عزیز خودشان را از دست داده‌اند، تقدیم کرد. وی در ادامه افزود: فراموش نکنیم که رنگ قرمز رنگ شادی است ولی رنگ خون شهید آزادی بر سنگفرش خیابان‌ها غم‌انگیز است. به همین دلیل برخلاف مرغ سحر قبلی حال و هوای آهنگ شاد نیست.

■ ■ ■

بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم کودک عشق‌واره‌ای برای حضرت علی(ع)

فارس مراسم منظمی بر گزار شده و پذیرایی خوبی از میهمانان مراسم نشده و به روایت خبرگزاری‌ها تعداد سینماگران حاضر در افتتاحیه چهار ساعته محدود بوده‌است. هرچند در بدو ورود به سالن مراسم دکور عظیم سینما که در ارتفاع ۹ متر ساخته شده بود به عنوان سینما «پروانه» جلب توجه می‌کرد، در طول مراسم نیز بچه‌ها به گیشه این سینما مراجعه می‌کردند و با گرفتن پرچم جشنواره به سینما می‌فرقتند. بزرگداشت شهید بهنام محمدی، اولین شهید نوجوان دفاع مقدس بخش دیگر این مراسم بود که از آن‌ها به بعد جایزه‌ای به این نام به یکی از فیلم‌های بخش سینمایی ایران اهدا خواهد شد. هدیه‌ای به خواهر و سید صالح موسوی هم‌رزش‌ها اهدا شد. بیست‌وپنجمین دوره ایــن جشنواره در حالی بر گزار می‌شود که مشکلات عدیده‌ای بر سر راه ساخت فیلم‌های کودک وجود دارد، معضل فیلمنامه و فقدان داستان‌های جذاب در کنار بی‌توجهی به کشف استعدادها و عدم شکوفایی آنها برای کودکان بسیارذ می‌شود. قول داده شده است که این جشنواره هر سال ۱۶ مهر در اصفهان برگزار شود البته اگر باز هم آواره شهرهای دیگر همچون همدان و کرمان نشود.

جشنی را برگزار کند، چه روز و چه کسی را برای برگزاری این جشن انتخاب می‌کند.» قرار بود از محمدعلی کشاورز در مراسم افتتاحیه تقدیر شود که به دلیل عدم حضورش انکار این مساله منفی شده است. کسلی همچون «محمدکاسبی»

که مورد تقدیر قرار گرفته بود، از روحیه سیاسی و سیاسی‌گرایی اشک شوق ریختند و «وحید نیکخواه‌آزاد» که برای گرفتن مزد سال‌ها تلاش برای کودکان به روی سن دعوت شد، پرچم بارگاه ملکوتی امام علی(ع) را بوسید. غلامرضا مظانی نیز ابراز امیدواری کرد فیلم‌های خوبی در آینده برای کودکان بسازد. این افتتاحیه با اجرای علیرضا خمسه و عاقله‌های وی، یادآور روزهای خوش گذشته جشنواره فیلم کودک و نوجوان بود که اکنون فقط با دریغ و افسوس از آن دوران یاد می‌شود. به گزارش



قرار است این دوره جشنواره علاوه بر اصفهان در ۹ استان دیگری نیز فیلم‌ها اکران شود و به مسته‌های فرهنگی به ۱۱ استان مرزی کشور به منظور ابلاغ پیام صلح و دوستی ارسال شده است. در این روزها که هنوز زمان دقیق تشکیل

سازمان سینمایی مشخص نشده اما وزیر ارشاد در مراسم افتتاحیه ابراز امیدواری کرده است: «اگر سازمان سینمایی نیز شکل بگیرد در آن به سینمای کودک و نوجوان توجه ویژه‌ای بشود.» مدیرعامل بنیاد فارابی و دبیر این جشنواره گفت: «با عنایت به همزمانی این مراسم با شب عید غدیر و نصب پرچم گنبدحرم حضرت‌علی(ع) درشب‌افتتاحیه،من بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوان را عشقواره می‌نامم. با بخودم فکر می‌کردم که اگر خواننده بخواد روزی

خداحافظی براد پیت در ۵۰ سالگی



گاردین: براد پیت در مصاحبه‌ای که پیرامون فیلم جدیدش Moneyball انجام داده اشاره کرده که به نظر می‌رسد تا سه سال دیگر یعنی زمانی‌که ۵۰ ساله شد بازیگری را کنار می‌گذارد. از او سوال شد بعد از انصراف از بازیگری چه می‌کند و او پاسخ داد اصلا نمی‌داند!

مرگ استین بر اثر آرسنیک



گاردین: جین استین بر اثر سم آرسنیک کشته شده است. Lindsay Ashford نویسنده جانبی با توجه به آثار نویسنده و نامه‌ای او بیان کرد که امکان قتل جین استین را نباید نادیده گرفت. پس از ۲۰۰ سال که از مرگ این نویسنده می‌گذرد، دلایل زیادی را برای مرگ زودهنگام وی یعنی در ۴۱ سالگی نسبت داده‌اند.

آمنه ماندگار شد

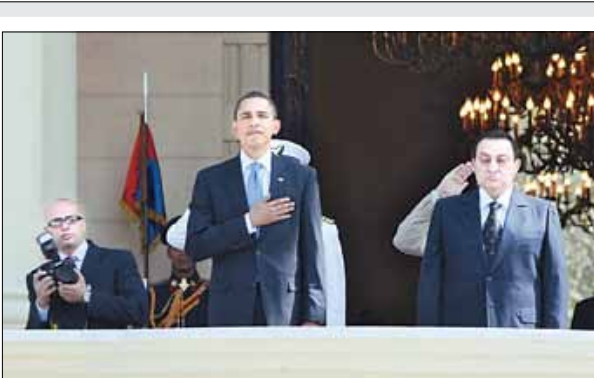
نگین نصیری: ششمین دو سالانه مجسمه‌سازی معاصر ایران در حالی شامگاه ۲۳ آبان در فرهنگسرای نیاوران پایان یافت که نگار لاهوتی با مجسمه‌ای در ابعاد بزرگ از پرتو آمنه بهرامی به‌عنوان برگزیده بخش جنبی معرفی شد. هیات‌داوران این دوره هیچ یک از آثار را حایز رتبه اول ندانستند و سه اثر «آدم و حوا» ساخته غزال پرتو، «طرز صحیح قالب‌گیری» از محمود محرومی و اثر بدون عنوان ساخته محمدرضا عیزری را برگزیدند. همچنین هیات‌داوران پنج اثر «هیجستان» ساخته فرزین هدایتزاده، «ما همه فرفره گانیم و فلک فرفره باز» ساخته فرزانه مهری، اثر بدون عنوان نگار نادری‌پور، «خانه‌ای در طرف دیگر شب» ساخته کامبیز صبری و «هاله» اثر پرنده مظلومی را شایسته تقدیر دانست. بخشی از جوایز این دو سالانه به منظور تشویق و حمایت از جوانان خلاق و فعال این عرصه به جوانان زیر ۳۵سال اختصاص یافت. هیات‌داوران چند ماه رییس ندانسته‌باشند، یعنی این موضوعات برای کسی اهمیت ندارد. با سرعتی که کشورهای دیگر در این زمینه‌ها پیش می‌روند، ما زنده می‌مانیم اما چگونه زنده ماندنش مهم است. فرصت خوبی است که امروز که دنیا در محاصره و گرفتاری افتاده ما هم حرکتی کنیم. البته تنها راهش این است که دیگران را از کار بی‌انزیم تا خودمان حرکتی صورت بدهیم.

انتقاد رییس کتابخانه مجلس از ممیزی

به شرق: هفته کتاب پایان گرفت و وزیر ارشاد فرصت نکرد با ناشران صحبت کند اما دری، معاون فرهنگی به میان جمع کوچک ناشران آمد و دقایقی در نزدشان ماند و از یک‌بگری درباره مسایل مختلف خبر داد. نکته‌هایی ناشران درباره هیات انتخاب و خرید کتاب توسط وزارت ارشاد، بحث مالیات و توزیع یارانه‌ای کاغذ گفتند. همچنین ناشران به هزینه‌های زیاد حضور در نمایشگاه‌های خارجی، عدم روشن بودن وضعیت خرید کتاب، تعرفه‌های ویژه آب و برق که اداره برق کتاب‌فروشی را مصداق واحد فرهنگی نمی‌داند، اشاره کردند.

جالب اینکه گویی برای ناشران حاضر در این مراسم تنها مسایل اجرایی و نه محتوایی چاپ کتاب مهم بود. هرچند در گوشه‌ای دیگر از شهر رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ممیزی‌ها اعتراض می‌کرد. وی گفت: «این ممیزی‌ها که در ارشاد روی کتاب‌ها صورت می‌گیرد، چه معنی دارد؟ اینکه مرتب جای این کلمه را عوض کنیم، یا جای آن کلمه را تغییر بدهیم، چه سودی دارد؟ بگذارید طرف حرض را بزنند. اگر بعد از چاپ کتاب، شکایتی شد خود او باید پاسخگو باشد. جعفریان در مراسم افتتاحیه کتابخانه تخصصی مطالعات زنان گفت: در حوزه کتاب و مطالعه، هم بر اساس آمارها و هم براساس اطلاعاتی که از روند پیشرفت دانش

رویتزر: از پوستر مریل استرپ در فیلم جدیدش (Iron lady زن آهنین) در لندن رونمایی شد. این فیلم درباره نخست‌وزیر پیشین انگلستان «مارگارت تاچر»، است که در همان بررس‌های اولیه باشکوه نمایده شد. وقتی که جزییات فیلمنامه یک بار پیش علنی شد فرزندان تاچر نسبت به این فیلم واکنش نشان دادند. سوالی در مورد این فیلم مطرح بود که چرا یک بازیگر آمریکایی باید نقش قوی‌ترین چهره‌های سیاست بریتانیا را بازی کند؟



گاردین، فاطمه سسگری آزاد: «روزها من از رییس‌جمهور حسنی‌مبارک عکس می‌انداختم و در شب رویای سقوط دیکتاتور را خواب می‌دیدم. این سخنان «احمد مرادی» عکاس شغفی حسنی‌مبارک تا زمان سقوطش بود. او داستانی درباره فساد در مصر نوشته است که این روزها به عنوان کتاب پرفروش روز مطرح است. این کتاب با نام Vertigo به زبان انگلیسی هم ترجمه شده است. او در مصاحبه‌ای با گاردین درباره معیباتی که باعث شد کنشیا را بنویسد و امیدش به آینده مصر صحبت کرده است. احمد مرادی پنج سال عکاس رییس‌جمهور بوده و این به معنای حضور او در همه طاقت‌ها یا رهبران کشورهای مختلف، جلست خانواده‌ی و همه فعالیت‌های مرد اول مصر است؛ پنج سال که به قول خودش به اندازه کافی دیده بود تا او را آماده انخار کند که باعث انتشار کتابی در اثر تریلر شد.



کنسرت همایون شجریان و هنوازان حصار به آهنگسازی علی قمصری برای ساعت ۱۸ روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان در تالار وحدت تمدید شد.

کلبه‌کوچک‌من

مریم وزکریا - قسمت اول (۸۶)

اردشیر خرمنکوب

■ جناب زکریا علیه‌السلام، از پیامبران بنام بنی‌اسرائیل است. اکنون که گرد پیری بر سر و رویش نشسته، از دو سوز سوزان در رنج است. سوز درون و سوز بیرون. مردمان قومش به انحراف گراییده‌اند و از دینی که موسی بر پدرانشان عرضه داشته بوده، فاصله گرفته‌اند. شاخ و برگ بسیاری از آن آویخته‌اند که ربطی به دین موسی ندارد. زکریا با همه عمر رسالتش را برای آگاهی قوم خود به کار گرفت اما انحراف آن چنان ریشه دولنده است که گویا به یک عمر زکریا، بنای اصلاح ندارد. این سوز بیرون زکریاست. سوز درون او ناشتن فرزند است. که رسالت را از زکریا به ارث برد و این بار برداشتن را به شانه بگیرد. کمی آن سوتر از محراب عبادت زکریا، همسر عمران نیز که از پاکان عصر خویش است و فرزندی در شکم دارد، به عبادت مشغول است. زکریا از خدا فرزند می‌خواهد و همسر عمران، فرزند به‌دنیایمده خود را نذر خدمت به دین خدا می‌کند. اما عجبا فرزندی که به دنیا می‌آورد، دختر است. و نه پسر. مادر، فرزند دخترش را روی دست می‌گیرد و با شرمندگی به خدا می‌گوید: خدایا، من این دختر را مریم می‌نامم. آیا می‌پذیری‌اش؟

اگر درچه سی‌وهفتم سوره آل‌عمران را بگشاییم، به یک توصیف زیبا برمی‌خوریم که نشان از پذیرش این نذر دارد: «فقبلها ربها بقبول حسن و انتبها نباتا حسنا...» خداوند او را (مریم را) به نیکی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای (نهاد) وجود) او را رویانید» جذابیت این توصیف علاوه بر نوع واژگان، به معنای آن نیز مربوط است. این دو جمله کوتاه، با «حسن» و «احسن» پایان می‌پذیرند. این تاکید مضاعف بر نیکی و زیبایی، مفهوم کلی پذیرش و رشد، مریم را به عرصه‌ای از رضایت حتمی خداوند می‌افکند، اما زیبایی برتر این توصیف، به «رویاندن» مریم توسط خالق هستی اشاره دارد. اینکه باغیان بزرگ م‌ا به زیبایی، این نونهال را می‌رویند و برمی‌کشند. همین مفهوم ناب و ناز «رویاندن» در آیه هفدهم سوره نوح نیز به کار آمده است: «والله انبتکم من الارض نباتا ... و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید.»ای انسان، از روزی که تازه به دنیا می‌آید، تا آنجا که به ۴۰، ۳۰ و ۵۰ سالگی می‌رسد، هیچ تشبیهی چون «رویش» یک نهال، رسا و لطیف و ظریف نیست. رویش و رشد، درست همان است که نهال و انسان در امتش کنند. با رویش، قد می‌کشند و با رشد، به تلاوری و تکامل می‌رسند. سال‌ها پیش، اول بار که به معنای رویش در قرآن برخوردیم، آن را به حساسیت سیر تکامل بشر گذاردم. سیری از گیاه، تا جانور، تا انسان. اما خیلی زود این معنای تحمیلی را کنار گذاردم و رویاندن انسان از زمین را معادل شکل‌بخشی گل وجود آدمی دانستم.

ادامه دارد

خبر آخر

نمایشگاه نقاشی

برای حمایت از برنامه غذا

■ امسال ایران جزو ۱۰ کشور برتر جهان در امر اطلاع‌رسانی در حمایت از پروژه‌های مبارزه با گرسنگی در جهان بوده است. به این مناسبت مراسمی در خانه هنر (آرت سنتر) با حضور مسؤولان برنامه جهانی غذا (سازمان ملل متحد) برگزار شد. در آن ستر دو نمایشگاه نقاشی با عناوین «لقوس‌های شاهنامه» و «معتقدات معلق» نیز افتتاح شد. نمایشگاه «لقوس‌های شاهنامه» در کاری ملک آرت سنتر، مجموعه ۱۰ اثر در ابعاد بزرگ به صورت رنگ و روغن از علی اسماعیل‌لوست. این آثار با برداشتی سوررئال به روایت‌های پهلوانی می‌پردازد. در آثار چهار نماد خاص و تکرارشونده ناقوس، رخسار، زاغ و قفل به چشم می‌خورد. استفاده بی‌پروا از نماد مدرن گرامافون نیز وجه تمایزی است که کارهای او را از برداشت‌های تکراری جدا می‌کند. در سالن شماره ۲ آرت سنتر نیز نمایشگاه مهدی راحمی برپا شد. این نمایشگاه مجموع ۲۳ اثر با ابعاد مختلف به صورت کلاژ است. نوع آثار اکریلیک روی بوم و سبک کارها طراحی فیگوراتیو است؛ فضایی که هر لحظه در حال فروپاشی است. فریبرز عرب نیسا، احمد صغر، عبدالرزاق اکبری، کاظم چلیپا،



بهمن مفید، امیر مهدوی کیا، یار تا یاران، رسول نجفیان، محیط طباطبایی و... از بازدیدکنندگان نمایشگاه‌ها فوق بودند. خانه هنر یا آرت‌سنتر شهرم‌ام سال ۱۳۸۸ تأسیس شد. این مکان هنری اولین اسپانسر برنامه جهانی غذا (WFP) در ایران است که طرف چند سال گذشته با فعالیت‌های فرهنگی خود در حوزه هنرهای تجسمی بالغ بر ۱۵۰ هزار وعده غذایی در حمایت از پروژه‌های مبارزه با گرسنگی ایجاد کرده است. در طول مدت دو سال از تأسیس این خانه، آثار بیش از ۸۰۰ هنرمند به نمایش درآمده، هنرمندانی چون فرح‌اصولی، یعقوب امدادیان، محمد احصایی، نصرالله افجه‌ای، فرامرز پیلارم، صادق تبریزی، رازه تنابلی‌ای، حسین زنده‌رودی، مهدی سجایی، پرویز کلانتری، اسدالله کیانی، مارکو گریگوریان، فریده لاشایی، غلامحسین نامی، گیزلا وارگا سبیلانی و... درصددی از فروش کلیه نمایشگاه‌های هنری در آرت سنتر به پروژه‌های مبارزه با گرسنگی اختصاص می‌یابد. خانه هنر (آرت سنتر) در خیابان شیرعتی، بل روعی تا اول آذرماه، همه روزه از ساعت ۱۲ تا ۲۱ پذیرای بازدید عموم خواهد بود.